

تاجیکان ایرانی نژادند

دکتر روشن رحمان

دانشگاه دولتی تاجیکستان

قوم تاجیک یکی از قوم‌های ایرانی بوده و اکنون با این نام در سایر کشورها از جمله در ماوراءالنهر، ایران، افغانستان، چین و دیگر کشورها عمر بسر می‌برد. زبان تاجیکی که اکنون زبان دولتی جمهوری تاجیکستان شناخته شده است، اصلاً یکی از شاخه‌های زبان فارسی در ماوراءالنهر می‌باشد.

حالا دانشمندان تاجیکستان کوشش دارند که زبان تاجیکی را با نام اصلی اش یعنی فارسی نام ببرند که دایر به این مسئله در این روزها در مطبوعات و صدا و سیما تاجیکستان صحبت‌ها ادامه دارد.

درباره تاجیکان و رسم و آیین، زبان، تاریخ، فرهنگ و تمام روزگار گذشته و معاصر آنها، اثرهای زیادی نوشته شده است. یکی از اثرهای خیلی مهم که حیات این قوم را در بین اقوام دیگر شوروی سابق در اساس منابع همه جانبه دسترس مؤلف بوده انعکاس نموده است، کتاب تاجیکان باباجان غفوراف است.

باباجان غفوراف سال ۱۹۰۹ م. در خجند دنیا آمد و تا آخرین لحظه حیاتش، به تحقیق و تحلیل درباره تاریخ مردم تاجیک مشغول بود. در نتیجه زحمت زیاد، اثرهای تاریخ مردم تاجیک که در سالهای ۱۹۴۹، ۱۹۵۲ و ۱۹۵۵ در مسکو به زبان روسی نشر شد و اسکندر مقدونی و شرق با همکاری د.ای. تسییو کدیس تاریخشناس یونانی و دهها اثرهای

دیگر علمی درباره تاریخ تمدن مردم تاجیک و مردم مشرق زمین تألیف نمود و صحیفه‌های تاریخ تاجیکان را وابسته به نژاد اصلیشان، آریائیان و یا ایرانیان روشن ساخت. کتاب تاجیکان بار اول، سال ۱۹۷۲ در مسکو به زبان روسی نشر گردید و در یک مدت کوتاه شهرت خاصی پیدا کرد و به زودی دست بدست مردم گوناگون گردید.

این کتاب، تاریخ مردم تاجیک را از دوره‌های خیلی باستانی شروع نموده تا سده هفده میلادی در برمی‌گیرد. بعدها مؤلف تا آخر عمر (سال ۱۹۷۷)، کتاب را با منابع و مأخذ تازه پُرتر نموده، دوام آن را تا سال ۱۹۱۷ نوشت.

متأسفانه در زمان زنده بودنش نتوانست کتاب را بطور کامل نشر نماید. از اینرو در سال ۱۹۸۳ جلد اول و در سال ۱۹۸۵ جلد دوم کتاب به زبان فارسی - تاجیکی از جانب ع. منیازاف و ن. خال محمداط ترجمه شد و تحت نظر آکادیمیستین احرار مختاراف روی چاپ را دید.

کتاب تاجیکان از شش فصل عبارت بوده و هر فصل بابهای جداگانه را در برمی‌گیرد. مؤلف زیاده از سه‌هزار منابع و مأخذ را استفاده نموده، در جریان بیان فکر تحلیل مدرکهای باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخی، نژادشناسی و غیره، آریایی و ایرانی نژاد بودن تاجیکان را با دلایل ثابت نموده است. مثلاً او می‌گوید: «هیچ جای شبهه نیست، طایفه‌های گروه شرقی ایرانی از شمال، از سرزمین آسیای میانه برآمده، به سوی کشورهای جنوب حرکت کرده‌اند. اینک چنانکه دیدیم هم معلومات باستان‌شناسی و هم دلایل تاریخی و زبان‌شناسی از آسیای میانه، به طرفهای جنوب، هندوستان، افغانستان و ظاهراً به ایران نفوذ کردن گروههای مختلف آریایی (اولها اکثراً هند و آریایی بعداً ایرانی) را اثبات می‌نمایند.

همه این، بار دیگر تصدیق می‌کند که آسیای میانه با ناحیه‌های همجوار خود قدیمترین محل اقامت طایفه‌های هند و ایرانی و مرکز پهن‌شوی آنها بوده است. همان طایفه‌های ایرانی که در آسیای میانه مانده‌اند، نیاکان اهالی اصلی آسیای میانه از آغاز عهد تاریخ تا اولهای عصر میانه حساب می‌یابند.

بعدها براساس خلقت‌های شرقی آسیای میانه، پیش از همه باختریها، سغدیان و به درجه کمتر دیگر جزءهای ترکیبی نژادی مردم تاجیک بوجود آمد.

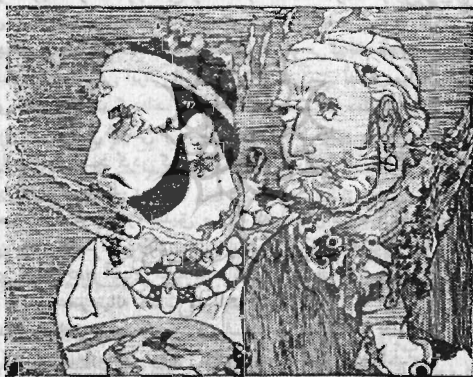
باباجان غفوراف در بابهای کتاب که دائر به تصرف غزنویان، قره‌خانین، مغولها، تیموریان، شیانیان و دیگر خاندان ترکها سخن رانده، با دلایل رفتار آنها را نسبت به این قوم ایرانی بیان می‌نماید و ترک ساختن تاجیکان را یا درس شده، می‌نویسد: «در دوره سامانیان اکثریت اهالی شهرها و ناحیه‌های مسکونی، کشاورزی آسیای میانه را تاجیکان تشکیل می‌دادند. ولی این حالت در عهد حکمرانی قره‌خانین تغییر یافته، در نتیجه بیش از پیش به حیات مسکونی روی آوردن بادیه‌نشینان ترک زبان، ترک کردن اهالی محلی تاجیک در آسیای میانه، از جهت اِتیکتی [= نژادی] برتری پیدا کردن مردم ترک زبان آغاز

می‌شود.»

اگر چه بعد از دولت سامانیان در ماوراءالنهر، قدرت در دست ترکان بود و سده به سده محدودیت فارسی زبانان احساس می‌شد، با وجود آن چراغ زبان فارسی همیشه فروزان بود. ولی در طول زیاده از هفتاد سال حاکمیت شوراها تا حال کوشش زیادی شد و عملی گردید که تاجیکان به خصوص سمرقندیان و بخاراییان از استفاده زبان مادری خویش در کودکانها، دبیرستانها و مجالس رسمی محروم شوند. خوانندگان تاریخ دوست ایرانی می‌توانند بعد از چند مدت دیگر، با کتاب تاجیکان باباجان غفوراف، پُرّه آشنا بشوند، که آن را مرکز مطالعات ایرانی در تهران چاپ خواهد کرد. این کتاب به کوشش و بازنویسی و ویرایش نگارنده به فارسی برگردانده شده است.



باباجان غفورزوف



تاجیکان

تاریخ قدیمترین نسیم و قرون کسلی